

ح

حَنْبَلِيّ = حنبلی (یکی از طریقه های مذهب سنی).
حَنْفِيّ = حنفی (یکی از طریقه های مذهب سنی).
حوت = حوت (ماه).
حورتينه = زنانه.
حيا = حیا، شرم.
حیرون = حیران.
حیوون = حیوان.

حاجت = ۱- حاجت، نیاز؛ اسم خاص مٲ. حاجت ببگم.
حاجے = حاجی.
حاضر = حاضر.
حاضرے = حاضری.
حافظ = حافظ، شاعر.
حاکم = حاکم.
حال: حال ننداو = حال: حال دادن.
حبيب = ۱- ترانه، نام گل وحشی؛ گُلک حبيب تو خو-رد زئز أم، سَخک قیبے، تو پرنز أم (ضرب المثل) = گل "حبيب"، تو را میگیریم، اگر آب میبودی، تو را مینوشیدیم؛ ۲- اسم خاص مذ؛ حبيب، حبيب الله، سيد حبيب.
حرؤم پومک = کم پر، گنجشک نو زاد کم پر است.
حرؤم = حرام.
حرؤم-خُر = حرام خور.
حرؤم-زاده = حرام زاده.
حرؤمے = حرامی.
حریر = پرنیان، ابریشم.
حزب = حزب.
حشره = حشره.
حصار = حصار، قلعه.
حق = ۱- حق؛ ۲- اسم خاص مذ. حق داد، حق نظر.
حکایت گهر، حکایت گر = حکایت گر.
حکایت = حکایت.
حکم = حکم.
حکومت = حکومت.
حکیم = ۱- حکیم؛ ۲- اسم خاص مذ. حکیم، حکیم بیک، حکیم بای، محد حکیم، محمد حکیم.
حل = حل.
حلال = حلال.
حلبے = حلبی (ظرف).
حلقنچک = گره خوردگی.
حلقه = حلقه.
حمل - ۱- حمل (ماه)؛ ۲- اسم خاص مٲ. حمل ببگم.